



چرا خداوند انسانها را با بلایا امتحان می کند/ چیستی و معنای امتحان الهی

امتحان به معنی به کار بردن میزان و مقیاس برای کشف مجهول درباره خداوند صحیح نیست و امتحان خداوند به معنی این است که به وسیله بلایا و شدائد هر کسی را به کمالی که لایق آن است می رساند.

امتحان به معنی به کار بردن میزان و مقیاس برای کشف مجهول درباره خداوند صحیح نیست و امتحان خداوند به معنی این است که به وسیله بلایا و شدائد هر کسی را به کمالی که لایق آن است می رساند. به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از اموری که سبب تکمیل و تهذیب نفس و تصفیه اخلاق و تهییج قوا و نیروهای نهفته وجود انسان می شود و در حکم نیروی محرک دستگاه وجود انسان است، شداید و سختی ها و مصیبتهاست. در آیات و روایات در موارد زیادی این مضمون به چشم می خورد که خداوند فلان پیغمبر یا فلان بنده صالح دیگر را در معرض بلاها و شداید قرار دارد، یا این مضمون که خداوند شداید و بلاها را مخصوصا متوجه کسانی می کند که مورد لطف و رحمت خاصه او هستند، یا این مضمون که شداید و سختی ها تحفه های الهی است. مثلا در حدیث است: خداوند یاد می کند و مورد نوازش قرار می دهد بنده مومن را به وسیله فرستادن يك سختی و مشکل، آن طور که يك مرد در وقتی که در مسافرت است با فرستادن يك هدیه خاندان خود را یاد می کند و مورد محبت و نوازش قرار می دهد.

در جلد دوم اصول کافی آمده "خداوند وقتی که بنده ای را دوست بدارد او را در شداید غرق می کند" یا وارد شده که رسول اکرم (ص) حاضر نبود از غذای کسی تناول کند که هیچ وقت شدت و سختی و گرفتاری به سراغ او نیامده است. این را علامت عدم قابلیت او و دور بودن او از خدا می دانست.

این سوال ابتدا به ذهن هر کسی می آید که چگونه لطف و محبت و رضایت خداوند از کسی اقتضا می کند که او را با شداید و مشکلات مواجه کند؟ لازمه مهر و محبت فراهم کردن موجبات خوشی و آسایش است نه موجبات سختی و عدم آسایش. باز يك نوع تعبیر دیگری در زبان قرآن و سنت هست که سوال دیگری پیش می آورد و آن تعبیر "امتحان" است. خداوند بندگان را به وسیله شداید و بلایا امتحان می کند، یعنی چه؟ مگر خداوند از باطن کار مردم بی خبر است که می خواهد با امتحان چیزی را بفهمد؟ مگر نه این است که در خود قرآن مجید آمده که هیچ ذره ای و هیچ حرکتی و جنبشی، بالاخره هیچ امر کوچک یا بزرگی در عالم هستی نیست مگر آنکه معلوم و مکشوف حق متعال است؟ پس امتحان یعنی چه؟

جواب هر دو سوال آن وقت معلوم می شود که فلسفه بلایا و شداید و سختی ها و اثر آنها در وجود آدمی معلوم شود. یعنی مشخص شود که به حکم قانون و ناموس خلقت، بسیاری از کمالات است که جز در مواجهه با سختی ها و شداید، جز در نتیجه تصادمها و اصطکاک های سخت جز در میدان مبارزه و پنجه نرم کردن با حوادث، جز در روبرو شدن با بلایا و مصائب حاصل نمی شود.

البته این به معنای این نیست که اثر شداید و سختی ها تنها ظاهر شدن و نمایان شدن گوهر واقعی است. شداید و سختی ها و ابتلائات اثر تکمیل کردن و تبدیل کردن و عوض کردن دارد. کیمیا فلزی را به فلز دیگر تبدیل می کند و از موجودی موجود دیگر می سازد. از ضعیف، قوی و از پست، عالی و از خام پخته به وجود می آورد. خاصیت تصفیه و تخلیص دارد، کدورت ها و زنگارها را می زداید، خاصیت تهییج و تحریک دارد، هوشیاری و حساسیت به وجود می آورد، ضعف و سستی را از بین می برد. پس این گونه امور را نباید قهر و خشم شمرد، بلکه لطف است در شکل قهر، خیر است در صورت شر، نعمت است در مظهر نعمت.

يك وقت چیزی را مورد امتحان قرار می دهند برای اینکه مجهولی را تبدیل به معلوم کنند. برای این کار شیئی را به عنوان میزان و مقیاس به کار می برند. مثل اینکه متاعی را در ترازو می گذارند تا بفهمند که وزن واقعی جسم را معلوم می کند. ترازو فقط وسیله توزین است، اثرش فقط این است که وزن واقعی جسم را معلوم می کند. ترازو خود تاثیری در زیاد کردن یا کم کردن آن جسم ندارد. علم منطق که علم میزان نامیده می شود. فایده اش این است که شکل استدلالها را اندازه گیری می کند و اگر احیانا خللی در شکل استدلال رخ داده باشد، قواعد منطقی آن را معین می کند.

امتحان اگر فقط به معنی به کار بردن میزان و مقیاس برای کشف مجهولی باشد البته درباره خداوند صحیح نیست. امتحان معنی دیگری هم دارد و آن از قوه به فعل آوردن و تکمیل است. خداوند که به وسیله بلایا و شداید امتحان می کند، به معنی این است که به وسیله اینها هر کسی را به کمالی که لایق آن است می رساند. فلسفه شداید و بلایا فقط سنجش وزن و درجه و کمیت نیست، همچنین زیاد کردن وزن و بالا بردن درجه و افزایش دادن به کمیت است. خداوند امتحان نمی کند که وزن واقعی و حد و درجه معنوی و اندازه شخصیت کسی معلوم شود؛ امتحان می کند یعنی در معرض بلایا و شداید قرار می دهد که بر وزن واقعی و درجه معنوی و حد شخصیت آن بنده افزوده شود. امتحان نمی کند که بهشتی واقعی و جهنمی واقعی معلوم شود؛ امتحان می کند و شداید به وجود می آورد که آن که می خواهد به امتحان نمی کند که بهشتی واقعی و جهنمی واقعی معلوم شود؛ امتحان می کند و شداید به وجود می آورد که آن که می خواهد به

بهشت برود، در خلال همین شدايد خود را شايسته و لايق بهشت کند و آن که لايق نيست سر جاي خود بماند.

حضرت علي(ع) مي فرمايد: چوب درختهاي صحرائي و جنگلي که نوازش باغبان را ندیده است محکم تر است، اما درخت هاي سرسبز و شاداب که مرتب تحت رعايت باغبان و نوازش او مي باشند نازکتر و کم طاقت تر از کار در مي آیند.